



مکتب فلسفی میرداماد و امدار روایات اهل بیت (ع) است

آیت‌الله محقق داماد در همایش بین‌المللی «میرداماد» گفت: حکمت یمانی برگرفته از منابع مختلف است و امتیازی که نسبت به سایر مکاتب فلسفی دارد، به نقشی مربوط می‌شود که میرداماد برای روایات اهل بیت (ع) در این مکتب قائل شده است.

آیت‌الله محقق داماد در همایش بین‌المللی «میرداماد» گفت: حکمت یمانی برگرفته از منابع مختلف است و امتیازی که نسبت به سایر مکاتب فلسفی دارد، به نقشی مربوط می‌شود که میرداماد برای روایات اهل بیت (ع) در این مکتب قائل شده است.

به گزارش ایکننا از اصفهان، آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد، استاد حوزه و دانشگاه و عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در پیام تصویری به همایش بین‌المللی «میرداماد» که امروز، ۱۷ اردیبهشت ماه در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان برگزار شد، اظهار کرد: فندرسک، دهستانی در بخش رامیان و از توابع استان گلستان است که از این دیار، دو حکیم و عارف نام دار برخاسته اند؛ اولین آنها، مولانا ابوالقاسم بن ابوطالب میرحسینی فندرسکی مشهور به میرفندرسکی (اوایل قرن یازدهم) و دیگری، محمدباقر استرآبادی مشهور به میرداماد است. این دو تقریباً با یکدیگر هم دوره و معاصر بودند و چنان حوزه اصفهان را منور کردند که این دیار در زمان خودش مرکزیت والایی یافت و موجب شد تا عده زیادی از طالبان حکمت از اطراف و اکناف در این دیار اقامت کنند و از محضر بزرگان مختلف، از جمله میرفندرسکی و میرداماد بهره مند شوند.

وی با بیان اینکه عظمت میرداماد به چند نکته برمی‌گردد، افزود: وی جامع معقول و منقول بود و مانند حکیمان دیگر نبود که فقط به حکمت پرداخته باشد، بلکه هم فقیه، هم مفسر، هم محدث و هم حکیم بود. میرداماد آثار بسیار بدیعی در فقه دارد، شیخ انصاری (ره) در کتاب مکاسب و در آغاز مبحث بیع فضولی، نام وی را بسیار با عظمت و احترام آورده است. البته از میرداماد کتاب‌های مفصلی در زمینه فقه به دست ما نرسیده و فقط چند رساله کوچک به یادگار مانده است. این رساله‌ها هر چند کوچک اند، ولی در عین حال حاکی از نوپردازی و عمق فقهی میرداماد هستند. مثلاً، در همین نظریه‌ای که شیخ انصاری از وی نقل می‌کند، برخلاف مشهور، با بیع فضولی مخالف است و در کتاب شارع النجاة، با تجزی در اجتهاد مخالفت می‌کند و تسلط بر تمام ابواب فقهی را شرط اجتهاد می‌داند، نه اینکه شخص در قسمتی از فقه بتواند اجتهاد کند و به او، مجتهد متجزی گفته شود.

حکمت یمانی؛ بن مایه حکمت متعالیه

این استاد حوزه و دانشگاه ادامه داد: میرداماد مؤسس مکتبی به نام حکمت یمانی است و به معلم ثالث مشهور شده؛ چنانکه معلم اول، ارسطو و معلم ثانی، فارابی است. عنوان معلم با علامه تفاوت دارد؛ علامه برای کسی به کار می‌رود که دانای چند رشته دانش باشد، ولی کسی را معلم می‌نامند که دانشی را بنیان نهاده یا تدوین کرده باشد و میرداماد حکمت یمانی را بنیان نهاده است. البته حکمت یمانی شهرتی مانند سایر مکاتب فلسفی همچون مشاء، اشراق و حکمت متعالیه نیافته و علت آن این است که شاگرد میرداماد، ملاصدرا با ارائه آثار کثیر، مکتبی به خود اختصاص داده و انصافاً امعان نظر در آثار وی و مقایسه آن با آثار میرداماد، این حقیقت را نشان می‌دهد که بن مایه حکمت متعالیه همان حکمت یمانی است. میرداماد در آثار خود برای مکتبی که بنیان نهاد، عنوان حکمت یمانی را برگزیده که به نظر می‌رسد از حدیثی با این مضمون گرفته شده است: «الإیمانُ یمانٌ والحکمةُ یمانیهٌ». در واقع، میرداماد در بسیاری از آثارش، اصطلاح حکمت یمانی را برای مکتب خود انتخاب کرده، مثلاً در کتاب «جذوات و مواقیت»، صفحات ۹۹ و ۱۷۰ و نیز در رساله الصراط المستقیم، صفحات ۲۴۷ و ۲۴۸.

وی بیان کرد: پروفیسور هانری کربن در مقاله‌ای که راجع به تاریخ فلسفه در اسلام نوشته است، حکمت یمانی را این گونه تعریف می‌کند: «مراد از فلسفه یمانی، حکمتی است که خداوند توسط پیامبران و از راه وحی یا اشراق بر بشر نازل کرده است. سپس می‌گوید: «یمن، تمثیلی از بخش راست یا مشرق، دره‌ای است که موسی (ع) پیام خدا را از آنجا شنید. از این لحاظ، شرق در نظر امثال میرداماد، منشأ انوار الهی و نقطه مقابل آن یعنی غرب، مرکز فلسفه مشایی است. به نظر میرداماد، غرب، تمثیلی از ظلمت و فروماندگی در ساحت فلسفه، یا به عبارت دیگر، اصالت عقل است. در حالی که حکمت یمانی بر اساس اصالت ایمان و وحی بنا شده است.»

آیت‌الله محقق داماد تصریح کرد: اگر بخواهیم حکمت یمانی را از ابعاد مختلف به درستی تشریح کنیم، باید بگوییم این حکمت، برگرفته از حکمت‌های مختلف است، به خصوص از حکمت مشاء بسیار بهره گرفته و سپس از حکمت اشراق. بعد از این دو، از کلام شیعه بهره گرفته که یک امتیاز محسوب می‌شود. در واقع، بن مایه‌های کلام شیعی در حکمت یمانی بسیار دیده می‌شود. گذشته از کلام، به طور کلی آموزه‌های دینی شیعه، آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) نقش بسیار درخشانی در حکمت یمانی دارد. در این حکمت، روایات به گونه‌ای تفسیر شده که این فلسفه را تنظیم کرده و بر اساس یک نظام، آن را ارائه داده است. در واقع، بیشترین امتیاز حکمت یمانی نسبت به سایر مکاتب فلسفی، به نقشی مربوط می‌شود که میرداماد برای روایات اهل بیت (ع) در مکتب خود تعریف کرده است.

وی اظهار کرد: واقعیت این است که در حوزه های علمی حکمی و علوم عقلی، کتاب های میرداماد نسبت به آثار ملاصدرا و ابن سینا کمتر خوانده می شود و دلیل آن این است که ملاصدرا و ابن سینا بسیار روان نوشته اند. از طرف دیگر، ملاصدرا فلسفه خود یا همان حکمت متعالیه را بر سه اصل منظم شامل برهان، قرآن و عرفان استوار کرد، ولی میرداماد اولاً این گونه نظم بندی را انجام نداد و دوماً، آثارش بسیار مغلق نوشته شده و فهم آنها بسیار مشکل است.